

روزنه

مصاحبه جنجالی ترامپ با فاکس نیوز:

نظرسنجی ها واقعی نیستند

● گفت‌وگوی «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهوری ایالات متحده، با تلویزیون «فاکس‌نیوز»، نخستین مصاحبه جنجالی رئیس‌جمهوری آمریکا نیست؛ اما با توجه به اهمیت پرستی‌ها، یکی از مهم‌ترین مصاحبه‌های او در ماه‌های گذشته بوده است. به گزارش دویچه‌وله، غروب یکشنبه برنامه پربیننده «فاکس‌نیوز ساندی» برگزار شد؛ برنامه‌ای که مجری آن، «کریس والاس»، خبرنگار صاحب‌نام آمریکاست. میهمان این هفته، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری ایالات متحده بود. یک مصاحبه و سه محور؛ بحران کرونا، احتمال شکست در انتخابات، خشونت پلیس و پدیده نژادپرستی. ترامپ در این مصاحبه نیز همچون سایر مصاحبه‌ها، متوسل به اظهارات و ادعاهایی شد که دلیل و شاهی برای اثبات آنها در اختیار نداشت؛ اما کریس والاس، خلاف رویکرد بسیار دوستانه فرستنده محافظه‌کار «فاکس‌نیوز»، چند بار ترامپ را با پرسش‌های خود به چالش کشید. درباره مدیریت کرونا، ترامپ بار دیگر مدعی شد دولت آمریکا به بهترین شکلی عمل کرده و این کشور نازل‌ترین میزان مرگ ناشی از بیماری کووید-۱۹ در جهان دارد. کریس والاس در واکنش به ادعای ترامپ گفت: «نه جناب! این حقیقت ندارد». او پیش از این نیز گفته بود آمریکا یکی از کشورهای است که بیشترین میزان شیوع و فوتی ناشی از کرونا را دارند. بر اساس خبری که «نیویورکتایمز» منتشر کرده، آمریکا یکی از هفت کشوری است که بیشترین قربانی ناشی از شیوع این ویروس را دارند. مجری برنامه به نازل‌بودن شکست فوتی‌ها در اتحادیه اروپا اشاره کرد و علت آن را از ترامپ جويا شد. ترامپ در پاسخ گفت شاید علت آن، این باشد که «در اروپا به اندازه کافی تست کرونا صورت نمی‌گیرد». رئیس‌جمهوری آمریکا پس از آنکه در برابر پرسش‌های والاس پاسخ مناسبی نمی‌یابد، بار دیگر سرعاع چین می‌رود و می‌گوید: «این ویروس از چین می‌آید. آنها نباید اجازه شیوع به آن می‌دادند».

رئیس‌جمهوری آمریکا بار دیگر به اشتباهات سازمان بهداشت جهانی واتوئی فاوجی، مشاور کاخ سفید در مقابله با کرونا، اشاره کرده و مدعی می‌شود روزی خواهد رسید که حکایت این ویروس به پایان می‌رسد. ترامپ گفته است: «آن‌موقع همه متوجه خواهند شد که حق با من بوده است».



احتمال شکست در انتخابات

کریس والاس به عقب‌ماندن ترامپ در نظرسنجی‌ها از رقیب انتخاباتی‌اش او، جو بایدن، اشاره کرده و از او پرسید در صورت شکست در این انتخابات آیا نتیجه را خواهد پذیرفت؟ ترامپ در پاسخ به این پرسش گفت: «نخست اینکه من در این انتخابات شکست نمی‌خورم». او سپس مدعی شد نظرسنجی‌ها انجام‌شده واقعی نیستند. رئیس‌جمهوری آمریکا گفت: «در سال ۲۰۱۶ هم از این نظرسنجی‌های قلابی منتشر کردند؛ اما قلب در این نظرسنجی‌ها این بار بیشتر از آن موقع شق شده است».

ترامپ از احتمال تقلب در انتخابات گفت و مدعی شد دموکرات‌ها در حال حاضر سرگرم صحنه‌آرایی هستند تا احتمال شکست او را در انتخابات به مردم تلقین کنند. او بار دیگر مدعی شد جو بایدن همراه با حزب دموکرات، تصمیم به منحل‌کردن پلیس دارد؛ موضوعی که کریس والاس رد کرد. مجری برنامه «فاکس‌نیوز ساندی» گفت در سند حزب دموکرات چنین چیزی مطرح نشده است.

خشونت پلیس و نژادپرستی

دونالد ترامپ بار دیگر از پرچم کنفدراسیون آمریکا دفاع کرد و مدعی شد این پرچم ربطی به نژادپرستی ندارد. پرچم کنفدراسیون آمریکا که به درفش ایالات مؤتلفه آمریکا نیز شهرت دارد، پرچم ۱۱ ایالت جنوب آمریکا در جنگ داخلی این کشور است. از این پرچم به‌عنوان نماد برده‌داری یاد می‌شود؛ با وجود آن ترامپ دلیلی برای منع استفاده از این پرچم نمی‌بیند. ترامپ در مصاحبه جنجالی خود با شبکه «فاکس‌نیوز» مدعی شد این پرچم سمبل غرورآفرین ایالت‌های جنوبی آمریکاست. هواداران ترامپ در ایالت‌های جنوبی آمریکا همچنان در مراسم خود از این پرچم استفاده می‌کنند. ترامپ درباره استفاده از این پرچم گفته است: «من نمی‌توانیم همه تاریخ خودمان را خط بزینم. ما نباید فراموش کنیم که شمال و جنوب آمریکا علیه هم جنگیده‌اند. ما باید این موضوع را به خاطر بسپاریم؛ در غیر این صورت، یک بار دیگر جنگ رخ خواهد داد». در نظرسنجی‌های انجام‌شده، دونالد ترامپ هشت درصد از رقیب انتخاباتی‌خود، جو بایدن، عقب مانده است.

ادامه از صفحه ۴

۶) سایر مباحث مطرح‌شده در سند همکاری ۲۵ساله ایران و چین نیز مباحث مثبتی است که در چارچوب‌های مطرح‌شده در سند می‌تواند منافع ملی ایران را در مناسبات دو کشور تأمین کند.

برای خلاف تصورات همراه با شوق و ذوق برخی جریان‌ها، حتی اگر این سند امضا شود، قرار نیست دولت چین به‌خاطر ایران با آمریکا درگیر شود و امضای این سند به‌منزله عزم دولت چین برای دورزدن تحریم‌های آمریکا علیه ایران نیست. دولت چین تاکنون در حدی که توانسته موافقت ضمنی دولت آمریکا را به دست آورد با برخی اقدامات خود را از آمریکا پنهان کند، از ایران نفت خریده و به ایران کالا فروخته و از این اقدامات بهره زیاد اقتصادی برده است. در همین حد اقدامات چین بدون این سند نیز تداوم خواهد یافت و امضای این سند چیزی به آن نخواهد افزود، اما هر تحول واقعی در مناسبات اقتصادی دو کشور منوط به رفع تحریم‌های کنونی آمریکا علیه ایران است. دل‌بستن به هر تخیلی درباره یافتن شریک اقتصادی برای مقابله با تحریم‌های آمریکا، فقط می‌تواند سردرگمی ایران در تصمیم‌گیری را بیشتر و گرہ بازشونده توسعه اقتصادی کشور را کورت‌تر کند. باید توجه کرد که:

۱) واقعا جای تردید است که رهبران عالی چین حتی سند کلی همکاری‌های ۲۵ساله با ایران را پیش از خروج ایران از تله تحریم‌های آمریکا امضا کنند. مگر آنکه باور داشته باشند که ایران دیر یا زود با تدبیر از این تله خارج شود. به‌رحال طبعاً قرارداد‌های مربوط به اجرای بخش‌های مختلف این همکاری‌ها، به رفع تحریم‌ها موکول می‌شود و انجام هر گامی از مندرجات این سند، منوط به خروج ایران از تله تحریم آمریکا خواهد بود. این سند نشان می‌دهد که معرکه کاسیان تحریم و توسعه‌ستیزان که توسعه ملی ایران را مختل می‌کنند، تا چه حد بی‌پایه است. طبق محتوای این سند، به فرض وجود بهترین روابط ایران و کل جهان در ربع قرن آینده، بخش بزرگی از مناسبات اقتصادی بین‌المللی ایران می‌توانند و باید با جمهوری خلق چین دنبال شود. محقق‌نشدن بسیاری از این همکاری‌ها در ۱۵ سال گذشته نشان می‌دهد که کاسیان تحریم تنها ایران را از همکاری‌های اقتصادی با آمریکا و اروپا محروم نکرده‌اند، بلکه ایران را از فرصت‌های اقتصادی بین‌المللی با کل جهان، از جمله همکاری‌های اقتصادی راهبردی و باارزش با جمهوری خلق چین هم محروم کرده‌اند. ۲) طبعاً تلقی بیهوده‌ای است که انتظار داشته باشیم کشور دوست جمهوری خلق چین به‌عنوان یکی از پیش‌تئازان FATF با یک عضو لیست سیاه FATF بزرگ‌ترین قراردادهای نفتی و غیرنفتی جهان را امضا کند. ایران برای آنکه بتواند براساس این سند همکاری ۲۵ساله با چین، هر نوع قراردادی را از چین منعقد کند، باید پیش از آن به عضویت «گروه ویژه اقدام مالی» درآید و از لیست سیاه این نهاد خارج شود. توسعه‌ستیزان باید به معرکه خروج از FATF پایان دهند و به علالت در مناسبات بین‌المللی تن بدهند. اگر کسی برای اجرای سند همکاری ایران و چین هم مخالف عضویت ایران در «گروه ویژه اقدام مالی» به بهانه افتادن اسرار کشور به دست دشمن باشد، می‌توان او را نزد مقامات پرسش‌گرفته فرستاد که بیاورده که چگونه چین عضو پیش‌تاز FATF است و اسرارش را از آمریکا و سایر کشورها پنهان نکه می‌دارد و این بهانه برای اخلاف در سیاست خارجی دولت ایران و جلوگیری از تصویب عضویت در «گروه ویژه اقدام مالی» تا چه حد بی‌بنا و پرت بوده است. همچنین باید آموخت که نتهنای نسبت به «گروه ویژه اقدام مالی»، بلکه نسبت به تمامی هنجارهای جهانی متکی به دانش و تکنولوژی‌های امروز بشر، هوشمندانه سازگار بود و بی‌جهت فرصت‌های تجریم‌محلی ایران را در چنین جنجال‌های بیهوده‌ای تلف نکرد و رویه‌های خردمندانه را طبعاً با رعایت امنیت ملی و مصالح ملی برای کسب فرصت‌های جهانی در جهت توسعه ملی دنبال کرد.

۴) در چارچوب سند همکاری‌های ۲۵ساله، انعقاد هر قراردادی با هر کمپانی چینی علاوه بر قرارداد کمپانی مجری، نیازمند قراردادهای متعدد بانکی و بیمه و... است. اگر تصور شود که شرکت‌های مجری پروژه‌ها در چین و بانک‌ها و شرکت‌های بیمه چینی بی‌توجه به تحریم‌های آمریکا همه دشواری‌ها را بر خود هموار می‌کنند و قهرمانانه تحریم‌های ایران را دور می‌زنند و با ایران قرارداد می‌بندند، تصور واقعا بیهوده‌ای است. برای اجرای پروژه‌های مندرج در سند همکاری‌های ۲۵ساله با چین، ایران باید از تحریم‌های بسیار گسترده آمریکا علیه ایران، رها شود و شرکت‌های پیمانکار و مجری و بانک‌ها و مؤسسات بیمه چینی و غیر چینی باید مطمئن باشند که بابت همکاری با ایران مجبور به پرداخت میلیاردها دلار جریمه به آمریکا نخواهند شد.

۵) هرچند چین نسبت به دهه ۱۹۹۰ میلادی در مقابل آمریکا موقعیت خیلی محکم‌تر و مقتدرتری دارد. در عین حال نمی‌توان یقین داشت که در شرایطی پرسود، تجربه‌ای مانند لغو قرارداد کارخانه هسته‌ای اصفهان تکرار شود و چین مجبور نشود که برای مصالح خود، در شرایط بحرانی بر سر روابط اقتصادی چین و ایران با آمریکا معامله کند. بدون افراط و تفریط باید با همین واقع‌بینی روابط با جمهوری خلق چین را برای آینده تنظیم کرد.

۶) سند همکاری‌های ۲۵ساله ایران و چین معجزه‌ای ندارد که باعث برطرف‌شدن ضعف‌های داخلی بنیادین توسعه ملی ایران شود. در نتیجه مشتاقان گسترش روابط با جمهوری خلق چین تصور نکنند که امضای چنین سندی ممکن است جریان‌کننده احتمالات مداوم و بزرگ آنان در توسعه ملی باشد. فراموش نکنیم که کره‌شمالی همسایه و یکی از متحدان دیرینه چین است و ده‌ها هزار نظامی چینی برای کمک به پیروزی کره‌شمالی، در این کشور با نظامیان آمریکا و کره‌جنوبی جنگیده‌اند و جان داده‌اند. امروز کره‌شمالی یکی از فقیرترین کشورهای آسیاست و بی‌کفایتی مدیران کره‌شمالی مانع بهره‌مندی این کشور حتی از همکاری اقتصادی با چین، بزرگ‌ترین قدرت اقتصادی جهان، در همسایگی‌اش شده است.

نکته بسیار مهم جانبی آنکه، چین نمونه بسیار ارزشمندی برای کسب تجربه ایرانیان در جهت تحقق توسعه ملی ایران است. بارها دربارۀ تجربه توسعه چین گفته و نوشته‌ام و با تأکید روی جنبه‌های مختلف توسعه ملی جمهوری خلق چین، ضرورت کسب تجربه از توسعه بسیار موفق چین را مورد تأکید قرار داده‌ام. در اینجا به‌ویژه روی سخنان جریان‌های تندرو کشور است که تا این حد با شیفتگی از روابط ایران و چین و ضرورت گسترش روابط با جمهوری خلق چین سخن می‌گویند؛ جای آن دارد که آنان واقعا از توسعه چین هم الگو بگیرند و از تجربه توسعه ملی جمهوری خلق چین بیاموزند و دریابند که وظیفه نهادهای مختلف برای تحقق توسعه ملی ایران چیست و طبق تجربه چینی، این نهاده‌ا چه مسیری را باید در جهت اقتدار هرچه بیشتر ایران و تحقق توسعه ملی ایران دنبال کنند.

جمهوری خلق چین چهل‌وچند سال قبل درون خود، تعارض منافع و اختلاف‌نظرهایی به‌مراتب گسترده‌تر از ما در ایران امروز داشته است. آنان برای تحقق توسعه ملی در آغاز حرکت به سوی توسعه، این تعارضات را حل کردند و با یک مصالحه ملی، کشورشان را در مسیر شکوفایی شگفت‌انگیز توسعه اقتصادی قرار دادند و بدون جنگ و نظامی‌گری و بدون معارضه با جامعه جهانی چین را به ابرقدرت اقتدار جهان بدل کردند. کسب تجربه نیروهای تندرو، از هشت ویژگی بارز تحول‌آفرین توسعه‌ای جمهوری خلق چین به شرح ذیل، می‌تواند نقشی کلیدی در کاهش تعارضات داخلی ایران برای

جهان

ایران و چین: روابط راهبردی، تجربه توسعه



توسعه ملی داشته باشد و هموارکننده واقعی مسیر توسعه ملی ایران باشد. ۴۰۱ سال پیش در چین مناقشه بر سر مفهوم توسعه و ضرورت با عدم ضرورت توسعه، یک مناقشه واقعی و عمیق بوده است. بخش افراطی قدرتمندی در حاکمیت چین، تلاش برای توسعه ملی را انحراف در اخلاق انقلابی و تحت تأثیر امپریالیسم جهانی می‌دانسته و حاکمیت چین به‌کارگیری کلیدواژه‌هایی مانند: فقر و تنگدستی، درآمد سرانه، گرسنگی، مبارزه با فقر، نابرابری، تبعیض و رفع تبعیض، رشد اقتصادی، رکود، کیفیت تولیدات ملی، رفاه ملی، شایسته‌گزینی، توسعه اقتصادی، مبارزه با فساد، رفتن نظامیان به پادگان‌ها، مذاکره و دیپلماسی، رابطه با جامعه جهانی، سرمایه‌گذاری خارجی، تنش‌زدایی با آمریکا و اروپا، توسعه اقتصادی زاین، اقتصاد هنگ‌کنگ و... غیرانقلابی و همه مشمول سانسور بوده و ابراز آنها حتی جرائم سیاسی و امنیتی تلقی می‌شده و ابرازکنندگان، حداقل از سمت‌های حکومتی و حزب کمونیست چین محروم می‌شده‌اند. هر چند نظام اقتدارگری چین همچنان با هنجارهای متعارف دموکراسی در جهان فاصله زیادی دارد. اما در حال رهبران و ارکان حاکمیت چین نزدیک چهار دهه است که با جدیت اختلاف‌نظرها و مناقشات نظری و عملی خود را حداقل بر سر «مفهوم و مؤلفه‌های توسعه ملی» و «ضرورت تحقق توسعه ملی» کنار گذاشته و مردم چین را از فقر مطلق به معاش آبرومندانه رسانده‌اند و کشور خود را به ابرقدرت اقتصاد جهان بدل کرده‌اند.

۲) مانو تسه توک و سایر رهبران چین، چهل‌وچند سال پیش تصمیم گرفتند که برای تحقق امنیت ملی و نجات اقتصاد قحارت‌بارشان به توقف بحران‌سازی با کشورهای جهان به‌ویژه آمریکا تن دهند و از این طریق از همه فرصت‌های بزرگ همکاری‌های علمی، فنی، تجاری، مالی و صنعتی با سایر کشورها به‌ویژه آمریکا بهره گیرند. بعد از مانو سایر رهبران چین با روشن‌بینی و جدیت خیلی بیشتری مسیر توسعه ملی چین را با این باور گشودند که دانش، تخصص، تکنولوژی، تجربه، سرمایه و دسترسی به بازار را حتی از کشور‌های مخالف و دشمن، به اقتصاد کشورشان وارد کنند و بنیان اقتصادشان را مستحکم کنند. ۴۰ سال پیش آنان خاطرات جنایات آمریکاییان در کره و ویتنام و چین را به تاریخ سپردند و شعارهای غلیظ امپریالیسم را از خیابان‌ها پاک کردند. در فعال‌کردن ارتباطات سیاسی با آمریکا خود پیش‌قدم شدند و تدریجاً بزرگ‌ترین سفارتخانه خود را با جمعیت چندصدنفره در آمریکا بنا کردند و میزان سفارتخانه‌ای با همین گستردگی، از ایالات‌متحده آمریکا شدند. توانمندترین نیروهای خود را در دیپلماسی با آمریکا به کار مهاردند و حساس‌ترین تدابیر دیپلماتیک، اطلاعاتی و حفاظتی خود را در مقابل آمریکا طراحی و اجرا کردند. آنان طبعاً استخوان در کلو و خون در دل، دست همکاری به سوی آمریکاییان دراز کردند و با دقت و مراقبت، از همکاری‌های همه‌جانبه علمی، اقتصادی و صنعتی با آمریکاییان یک توسعه عظیم و یک اقتصاد عظیم به وجود آوردند. جمعیت بزرگ نزدیک به یک‌ونیم میلیارد نفری خود را از قحارت جهانی خارج کردند و فقر مطلق آنان را به معاش قابل قبول رساندند و نهایتاً ابرقدرت سراسراز اقتصاد جهان شدند. این‌ها موفق شدند که شرکت‌های مجری پروژه‌ها در تایوان که حیثیت ملی جمهوری خلق چین تلقی می‌شد و مواردی مشابه، بسیار انفعالی بود. در این دوران، مصلحت‌اندیشی‌های انفعالی چین در برابر آمریکا، چیزی از اقتدار، عزت و منزلت چین در برابر آمریکا نکاست و به‌سرعت به فراموشی سپرده شد؛ اما حاصل تدابیر رهبران جمهوری خلق چین، برای تحقق توسعه ملی چین به افسانه خردمندی حکمت‌آموز رهبران برای ایران تمامی جاذبه بشری بدل شد.

۳) ۴۰ سال پیش ساختار نیروی انسانی چین مشکلات بسیار جدی داشته است. در چین تا ۳۰ سال بعد از انقلاب، گزینش‌های مرامی و ایدئولوژیک مبنای به‌کارگیری نیروها بوده است. عضویت در کمیته‌های انقلابی، پرولتاریابودن، داشتن پیشینه فعالیت کارگری، کشاورزی و نظامی، تبلیغ ایدئولوژی، شیفتگی نسبت به انقلاب چین، عضویت والدین و خود فرد در حزب کمونیست چین، فرزند مبارزان، مجاهدان، انقلابیون، نظامیان و جان‌باختگان‌بودن، فرزند خانواده‌های مالک و بورژوازی پیشین نبودن، از جمله مهم‌ترین ملاک‌های بارز گزینش دانشجویان، کارمندان و مدیران در همه سطوح بوده است. حاصل این ویژه‌گزینی‌ها، یک ساختار علمی و دانشگاهی به‌کلی فروپاشیده و بی‌وروکراسی ورشکسته تحت حاکمیت و کنترل نظامیان و امنیتی‌ها در این کشور بوده است. از اولین گام‌های بلند رهبران برای حرکت به سوی توسعه ملی، ۴۰ سال پیش از این، حذف ویژه‌گزینی و کلیه امتیازات ویژه‌گزینی و جایگزین‌کردن رویه‌های شایسته‌گزینی با آن بوده است. از آن زمان باهوش‌ترین‌ها، بااستعدادترین‌ها و شایسته‌ترین‌ها به لحاظ علم و تجربه، در همه سطوح ملی از دانشجویان تا مدیران عالی، طبق مقررات شایسته‌گزینی بدون ورود به ملاحظات سیاسی، فرهنگی، حراستی و امنیتی برگزیده شده‌اند. به نظر می‌رسد که با درک این تجربه ضروری، مؤثر و موفق چینی‌ها، جایگزین‌شدن واقعی و جامع «شایسته‌گزینی» به‌جای «ویژه‌گزینی» در حوزه‌های علمی و اجرایی و در نظام بوروکراسی ایران، یک نیاز واقعی و ضروری توسعه ملی ایران نیز هست.

۴) ناسامانی‌های اقتصادی ایران از موانع مهم جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی است. سرمایه‌های بزرگ از سرزمین‌های با اقتصاد متلاطم، تورم لجام‌سختخته و انفجار قیمت‌ها، ناپایداری اقتصادی و بلاتکلیفی‌های قانونی و حقوقی و فساد نظام بوروکراسی می‌گیرزند. هرچند چین به لحاظ سلامت اقتصادی، با رتبه‌ای متوسط در سطح جهان پایین‌تر از کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی و در آسیا پایین‌تر از هنگ‌کنگ (۱۵) ژاپن (۲۰)، امارات (۲۴)، تایوان (۳۱)، کره‌جنوبی (۵۲)، مالزی (۵۵) و عربستان سعودی (۶۲)، در کنار برزیل و هند با رتبه (۷۹) وضعیت چندان مطلوبی ندارد. اما فاصله رتبه چین با رتبه ایران که در کنار روسیه و بلاروس حتی بعد از پاکستان (۱۱۶) رتبه (۱۳۱) را دارد، فاصله خیلی زیادی است. چین با وجود ابعاد عظیم و متمرکز اقتصاد این کشور، در اصلاح و کاهش فساد در ساختار اداری خود نسبتاً موفق بوده است و تجربه‌های نسبتاً خوبی دارد که می‌تواند برای ایران در جهت اصلاح نظام اداری و مبارزه با فساد درس‌آموز باشد.

۵) طبعاً توسعه ملی ایران نیازمند گسترش سرمایه‌گذاری خارجی و جذب اتباع و شرکت‌های خارجی برای حضور و سرمایه‌گذاری در ایران و جذب توریست‌های خارجی برای بهره‌مندی از ظرفیت مهم گردشگری در ایران است. چین رتبه اول جذب گردشگران جهان را با سالانه حدود

۶۰میلیون گردشگر دارد و با جذب ۱۳۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹، یعنی بیش از ۱۰ درصد کل سرمایه‌گذاری خارجی جهان، رتبه دوم جهان را دارد. این رتبه‌ها خیلی بالاتر از رتبه گردشگری ایران با رقم خیلی کمتر از یک‌دهم تعداد گردشگران چین و حداکثر پنج میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی یعنی رقمی کمتر از ۰/۳ درصد سرمایه‌گذاری خارجی جهان است. انتظار می‌رود که با گسترش همکاری‌های ایران و چین و اجرای پروژه‌های صنعتی و گردشگری مشترک، ظرفیت‌های خیلی بیشتری در همه این حوزه‌ها ایجاد شود و از جمله فعالیت واقعی فرودگان بین‌المللی امام خمینی مسافران ترازنتی خیلی زیادی را نیز به این فرودگاه و سایر فرودگاه‌های بین‌المللی ایران بکشانند. با مقایسه میان گستردگی مسافران خارجی دو کشور و تعدد پرونده‌های گاه جنجالی تشکیل‌شده برای مسافران خارجی در ایران، به‌نظر می‌رسد که در ساختارهای کشور بی‌گانه‌ستیزی غالب است و آمادگی سازگاری با ابعاد عظیم مورد انتظار مسافران خارجی آینده را نداریم. کسب تجربیات چین در تأمین امنیت و رفاه ده‌ها میلیون خارجی مقیم یا مسافر مداوم در چین، اعم از اتباع کشورهای دوست و غیردوست چین و اعم از خارجیان چینی‌تبار و غیرچینی‌تبار و تأمین امنیت ملی کشور بدون کمترین تعرض به خارجیان مسافر و مقیم، از تجربیات ارزشمندی است که مأموران امنیتی و اطلاعاتی ایران به آموختن آن از چینی‌ها نیاز خیلی جدی دارند. بدیهی است که حفظ امنیت و سلامت تمامی خارجیانی که به ایران سفر می‌کنند، از جمله ایرانی‌تباران تبعه کشورهای دیگر، جزء ضرورت‌های سائر کشورها، باید سرلوحه کار نهادهای امنیتی و نظامی قرار گیرد. بی‌تردید تشویق و جذب خارجیان دارای توان اقتصادی، علمی و تکنولوژیک، نیازمند تأمین امنیت و رفاه اتباع خارجی ازجمله خارجیان ایرانی‌تبار در سقره به ایران است. نیروهای امنیتی و انتظامی باید با درک تجربیات بارزاش نیروهای امنیتی چین، بیاموزند که هیچ چیز نمی‌تواند جای آثار سازنده تأمین امنیت کامل خارجیان در کشور را پر کند و برعکس هیچ چیز نمی‌تواند آثار مخرب رفتار تهدیدکننده خارجیان از جمله اتباع خارجی ایرانی‌تبار در سفر به ایران را جبران کند.

۶) توسعه جمهوری خلق چین به‌شدت مدیون چینی‌تباران مقیم خارج از چین کمونیست بوده است. بسیاری از چینی‌تباران متخصص، دانشگاهیان، دانشمندان، فناوریان، صاحبان حرفه، تخصص و تجربه و صاحبان سرمایه، از سراسر جهان در توسعه چین می‌سهیم شده‌اند. اتباع تایوان و هنگ‌کنگ که اگر با حکومت چین ضدید علنی نداشته‌اند، حداقل نگاه مثبتی نسبت به حکومت کمونیست بکن نداشته‌اند. از جمله این چینی‌تباران بوده‌اند. آنان نه‌تنها خود به بازار توسعه چین رفته‌اند، بلکه آسیایی‌ها، آمریکایی‌ها و اروپایی‌های بسیاری را با خود به چین برده‌اند و توسعه چین واقعا مدیون همه آنهاست. جمهوری خلق چین با دقت و درک همه سوااستفاده‌های احتمالی بیگانگان از بازشدن مسیر حضور چینی‌تباران احتمالاً لبسته به بیگانه در چین، با ابتکار خود شرایط حضور چینی‌تباران تایوانی، هنگ‌کنگی، سن‌گاپوری، کامبوجی، مالزیایی و اتباع چینی‌تبار سایر کشورهای جهان را در توسعه ملی خود فراهم کرد و موانع قانونی این حضور پرحاشیه را برطرف کرد و حتی برای تایوانی‌ها، مقررات و مجوزهای ویژه استثنائی و بسیار غیرمتعارف خلق کرد تا مشکل سفرهای آنان به چین و حضور اقتصادی و حقوقی آنان در چین به‌رغم تعارضات حقوقی اسناد تابعیت تایوانی آنان و سیاست‌های چین در رابطه با تایوان، برطرف شود. تابعیت خارجی چینی‌تباران و تعدد تابعیت چینی‌تباران هرگز مانع حضور امن و گسترده آنان در جمهوری خلق چین و عامل کاهش اعتماد نسبت به آنان نشد. بی‌تردید ایرانیان مقیم خارج از کشور اعم از صاحبان تخصص و تجربه و صاحبان سرمایه و نفوذ اقتصادی در کشورهای دیگر، مانند چینی‌تباران اقصدی نقاط جهان برای توسعه ملی چین، ظرفیت مهم و بزرگی برای توسعه ملی ایران هستند. رفاه و رفاهیات ساختارهای امنیتی و پلیسی ایران مانع مهمی برای مشارکت ایرانیان مقیم خارج از کشور در توسعه ملی ایران است. مصادره اموال ایرانیان با دلایل و بهانه‌های گوناگون، مظلونیت غالب نسبت به ایرانیان مهاجر و اعمال قوانین و مقررات نامی‌کننده روی ایرانیان مقیم خارج، خوشاندن ایرانی آنان و دارایی‌های آنان، با توجیه حقوقی به رسمیت‌نشناختن تابعیت خارجی آنان، و موارد مشابه دیگر، تردیدهای جدی در میان ایرانیان مقیم خارج برای سفر به ایران و سرمایه‌گذاری و فعالیت اقتصادی در ایران ایجاد کرده است. به نظر می‌رسد که مأموران امنیتی، نظامی و انتظامی ایران باید تجربه جذب ایرانی‌تباران، بدون شمردن تعداد تابعیت آنان، عدم ورود به زندگی خصوصی آنان، عدم قضاوت در مورد باورهای آنان و عدم ایجاد نامنی و ترس میان آنان و عدم تهدید خوشاندن و وابستگی عدم ایجاد نامنی و ترس میان آنان و عدم تهدید خوشاندن و وابستگی عدم ایجاد نامنی و ترس میان آنان، از تجربه چینی‌ها بیاموزند. جمهوری خلق چین در این زمینه تجربه‌های بسیار سنجیده و موقوفی داشته و دارد. همچون تجربه چینی، نه‌تنها ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل ایرانیان مهاجر برای توسعه ملی ایران ارزشمند است، بلکه آنان می‌توانند عامل و واسطه انتقال ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل کمپانی‌های بزرگ و کوچک خارجی و اتباع سایر کشورهای جهان برای مشارکت در توسعه ملی ایران باشند.

۷) چین در حال حاضر در بالاترین وضعیت قدرت نظامی خود قرار دارد و دانش مدرن و کیفیت تکنولوژی تسلیحاتی، قدرت نظامی چین را ارتقا داده و بسیار تقویت کرده است. در عین حال جمهوری خلق چین در ۳۰سال گذشته هرگز روی نمایش اقتدار نظامی خود پافشاری نداشته است؛ بلکه به رشد و توسعه و اقتدار اقتصادی خود افتخار کرده است. چهار دهه پیش، هم‌زمان با آغاز تحولات توسعه‌ای چین، کوچک‌سازی و کیفی‌سازی نیروهای مسلح، بازنشسته‌کردن وسیع نظامیان و خارج‌کردن نظامیان از همه حوزه‌های نظامی، از اولین اقدامات و ابتکارات دوران شروع توسعه بود که در دستور کار حزب کمونیست و دولت چین قرار گرفت و نظامیان چین خود در این زمینه پیش‌قدم شدند. امروز درواقع قدرت نظامی چین قدرت بازدارندگی در مقابل تهاجم نظامی است، اما آنچه قدرت ملی چین را کاملاً در سطح جهان جابه‌جا کرده است، قدرت اقتصادی این کشور است. در دوران توسعه ملی جمهوری خلق چین، هر روز رنگ نظامی و جلوه نظامی‌گری در ساختار حکومت کم‌رنگ‌تر شده و در مقابل وجوه سیاسی، اقتصادی، صنعتی، علمی، فناوری و حرفه‌ای ساختار حکومت پررنگ‌تر شده است. جا دارد که نظامیان ایران با کسب تجربه از نظامیان و مقامات امنیتی چین، همچون تمامی ساختارهای نظامی کشورهای مؤثر جهان به ارتقای جایگاه مقتدر و شایسته غیرسیاسی و غیرتبیغاتی نظامیان کشور بر اساس تجربه چین و همه کشورهای مؤثر جهان اهمیت ویژه بدهند.

۸) اختلاف‌نظرها به سر درخالت در سیاست خارجی منطقه‌ای ایران نیز واقعا پدیده‌ای بی‌مانند در میان همه کشورهای مؤثر و قدرتمند جهان است. سیاست خارجی چین سالیان درازی است که هیچ رنگ نظامی نداشته و ندارد و حتی بحران‌های با هویت نظامی در سطح بین‌المللی هم نه توسط نظامیان که توسط دیپلمات‌های چینی مدیریت می‌شود. انتظار می‌رود که ما این وظایف را به جایگاه درستی که می‌تواند برای وزارت خارجه و دیپلماسی های ایران کشور برگرداند، تحول می‌یابد برای اقتدار ملی ایران در سطح بین‌المللی و برای توسعه ملی ایران بسیار فرصت‌ساز باشد.

گزارش

تعویق سفر نخست‌وزیر عراق به ریاض

ملک سلمان در بستر بیماری

● پادشاه عربستان که قرار بود روز گذشته میزبان نخست‌وزیر عراق باشد، روانه بیمارستان شد تا هم سفر مصطفی الکاظمی، نخست‌وزیر عراق، به ریاض به تعویق بیفتد و هم گمانه‌هایی درباره وضعیت سلامتی ملک سلمان و آینده پادشاهی عربستان در رسانه‌ها مطرح شود. ملک سلمان در شرایطی روز گذشته به‌دلیل «التهاب کیسه صفر» در بیمارستان بستری شد که در ماه‌های اخیر در رسانه‌ها دیده نشده است. بر اساس بیانیه رسمی حکومت عربستان، ملک سلمان ۸۴ساله در بیمارستان تخصصی شاف‌فیصل که مجهزترین بیمارستان عربستان محسوب می‌شود، بستری شده است. وزیر خارجه عربستان روز گذشته اعلام کرد: «سفر برنامه‌ریزی‌شده مصطفی الکاظمی به ریاض تا زمان ترخیص پادشاه از بیمارستان به تعویق افتاد. مالیم ال کاظمی به خاطر انتخاب سفر به عربستان به‌عنوان نخستین کشور پس از تصدی سمت نخست‌وزیری، تشکر و قدردانی نمی‌مقام‌های سعودی با هماهنگی برادران عراقی خود در ترجیح دادند سفر الکاظمی به ریاض به بعد از مرخص‌شدن پادشاه سعودی از بیمارستان موکول شود». با تعویق سفر نخست‌وزیر جدید عراق به عربستان، ظاهراً ایران به خواسته خود رسید و قرار است مصطفی الکاظمی امروز در تهران با مقام‌های ایران مذاکره کند و سپس به ایالات متحده برود. رسانه‌های عربی در روزهای گذشته خبر داده بودند ایران اصرار داشت تا نخست‌وزیر عراق قبل از آنکه به عربستان سفر کند، در تهران با مقام‌های این کشور دیدار و گفت‌وگو داشته باشد. شیوع ویروس کرونا و اجرای محدودیت‌های سخت‌گیرانه و فاصله‌گذاری اجتماعی در عربستان باعث شد تا غیبت ملک سلمان با شیوع این ویروس ربط داده شود؛ اما منتقدان حکومت عربستان استدلال می‌کنند پادشاه این کشور حتی قبل از شیوع ویروس کرونا نیز وضعیت جسمانی نامناسبی داشت و احتمالاً در ماه‌های اخیر وضعیت سلامتی او وخیم‌تر شده است. سلمان در سال ۲۰۱۵ به پادشاهی عربستان رسید و آخرین نفر از نسل برادرانش است که پس از مرگ شاه‌عبدالعزیز، مؤسس پادشاهی سعودی، به این مقام می‌رسد. ملک سلمان در زمان پادشاهی عبدالله، به مدت دو سال و نیم ولیعهد عربستان بود و به‌عنوان وزیر دفاع نیز در کابینه حضور داشت. سلمان حدود ۵۰ سال هم حاکم ریاض بود و این شهر سنتی را به ریاض مدرن امروزی تبدیل کرد. وضعیت سلامتی ملک سلمان هم مانند دیگر پادشاهان عربستان، با وجود کنترل کامل حکومت این کشور بر رسانه‌ها و جلوگیری از انتشار اخبار منفی از خاندان سلطنتی در رسانه‌های رسمی، همواره مرکز توجه رسانه‌های بین‌المللی بوده است؛ چراکه پادشاه عربستان قدرت مطلق را در کشوری در دست دارد که بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت و یکی از ۲۰ اقتصاد برتر جهان به شمار می‌آید. ملک سلمان تنها پادشاه جهان عرب نیست که این روزها در بیمارستان بستری شده است؛ در روزهای اخیر، شیخ صباح آل‌احمد الصباح، امیر ۹۱ساله کویت نیز به دلیل انجام عمل جراحی، تمام اختیارات خود را به ولیعهد این کشور تفویض کرده است.

با وجود اینکه ملک سلمان در ماه‌های گذشته در انظار عمومی دیده نشده، رسانه حکومتی عربستان هرازچندگاهی تصویری از او در زمان حضور در جلسه مجازی کابینه با تماس‌های تلفنی با رهبران جهان ازجمله تماس اخیر با امیر کویت منتشر کرده است.

بی‌صبری ولیعهد برای پادشاهی

سلمان خلاف برادران خود که حاضر نبودند تا زمانی که زنده هستند اختیارات و قدرت زیادی به ولیعهدشان بدهند، فرزند خود محمدبن سلمان را در ۲۹سالگی به‌عنوان ولیعهد و جانشین خود برگزید و مهم‌تر از آن، بسیاری از اختیارات خود را به او تفویض کرد. سبک رهبری و اقتدار، اقدامات جنجالی و پر هزینه محمد بن‌سلمان برای حذف رقب‌ا در سال‌های اخیر، بسیار بحث‌برانگیز بوده و با وجود استقبال حامیان حکومت عربستان در داخل، انتقادهای گسترده‌ای را در خارج از این کشور برانگیخته است.

شاهزاده محمد بن‌سلمان با حمایت پدرش، تغییراتی اساسی در این کشور ایجاد کرده و درهای عربستان را به روی توریست‌ها باز کرد و گشایش‌هایی در زمینه حقوق زنان و آزادی‌های اجتماعی ایجاد کرد. با این حال، این اقدامات نه برای احترام به حقوق بشر بلکه برای جبران کاستی‌های اقتصادی انجام شد. محمد بن‌سلمان برای کاهش وابستگی عربستان به نفت، برنامه «مش‌انداز ۲۰۳۰» را ارائه کرد که تمرکز این برنامه جلب سرمایه‌گذاری خارجی و انجام اصلاحات گسترده اقتصادی بود و اجرای این برنامه‌ها نیازمند گشایش‌های اجتماعی، با وجود اینکه محمد بن‌سلمان تلاش کرده چهره رهبری مدرن از خود را به جهان نشان دهد، بازتاب‌شده گسترده شاهزاده‌ها، منتقدان و مخالفان حکومت عربستان، قتل فجیع جمال خاشقچی، روزنامه‌نگار عربستانی، در کنسولگری این کشور در استانبول و اصرار بر ادامه جنگ ویرانگر یمین باعث شد نگرانی‌ها و هشدارهای رهبران غربی ازجمله ایالات متحده از تبعات این رویکرد محمد بن‌سلمان برای منطقه و جهان، پادشاه عربستان را بر آن دارد تا نظارت بیشتری بر اقدامات پسر جاه‌طلب خود داشته باشد؛ اما با حذف احتمالی ملک سلمان از مقام پادشاهی عربستان، ولیعهد جوان مانعی بر سر راه ماجراجویی‌های خود نمی‌بیند؛ مگر آنکه در سرزمین رموز عربستان اتفاق دیگری علیه محمد بن‌سلمان در شرف وقوع باشد.